

۷۰ سال پیش در ستون حوادث
روزنامه‌های قدیمی نوشتند:

سیل، ۳ اجنازه را
به خاک شوروی برد

همه سالها (متن در زمانه‌های قدیمی تیرتهای عجیبی دارند. تیرتهایی که کاملاً مشخص است برای جذب خواننده‌های آن وقت تیرتهای شده‌اند، زیرا بسیاری از آنان حالت خرافه‌اند و شایع و واقعیت هر هستند یا با استفاده از الفاظ زشت و به شکل توهمین آمیز درج شده‌اند. در یکی از این خبرها که روزنامه «آفتاب شرق» ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۷ خورشیدی منتشر کرده است، این خبر به این ترتیب نامناسب (معلمی در مستراح مرده است» خبر از ریزش چاه فاضلاب داده است. مخبر این روزنامه می نویسد:

از رفوچان گزارش می دهند که «معلم دبستان های رفوچان از تخلیه مستراح معشوق به چاهو مرابع نهاده و چون استطاعت پرداخت اجرت آن را که مبلغ ۵۰ ریال تعیین نموده اند، نداشته است، برای خالی کردن آن شخصا مشغول می شود. لذا در حین عمل (کندن چاه) زیر پایش خالی شده، به چاه سرازیر می شود. همسایه بدبخت او (هم که به کمک می آید به سر و روش و با تیر شده و متعجب در می مرداند، اما از بیاد حوادث با مستراح های همین جنتم می شود. و دقیقاً در زیر خبر «معلمی در مستراح مرده است» خبر دیگری با تیر، «کشف ففت جنازه در مستراح» چاپ کرده که البته منظور از مستراح، پی کنی ساختمان در زیر قسمتی بود که کس مستراح قرار داشته است. این خبر به توضیح می دهد:

«مسافر که از درجز[درگز] آمده است، اطلاع می دهد که یکی
با نام حسین علی مبینی منزل عزیز... ابراهیم راده بهودی
خواریداری نموده است، اما برای اینکه ساختمان جدیدی
بسازد، ساختمان[قدیمی را] خراب می کند که هنگام بی کسی
ساختمان، به هفت جنازه، از مستراح کشف می شود. قضیه به
مقامات مربوط اطلاع و مورد پیگیری قرار گرفته است.»
از این دست آثار هم که بگذریم، واقع شده است بشوق در این
زاین جبهه یولناکه که از بارش باران و جاری شدن سیل
در درگز نوشته است که گویا کشته های زیادی هم بر
جای گذارنده است:

«بر اثر بارندگی آخر، سیل مهیبی در زمان شمس خان
در درگز جاری شد [است] [در آنجا] که عده
(عداد) زیادی گوسفند و شتر و چادرهای جوانان
را جمع می از اهالی به خاک شوری می برد. طبق
اطلاع مامورین شوری، تاکنون سیزده جنازه از آب
گرفته شده است:

روی خط
حادثه

دله دزد مغازه‌های مصلی دستگیر شد

علائقاییان به عنوان مشتری به داخل مغازه‌های محدود و
مصلی می‌رفت و دقایقی بعد بدون خرید، اما با دست
پرازمین واحدهای تجاری خارج می‌شد. در تمامی این
وقت‌ها کسبه تازه پس از رفتن او و مشاهده تصاویر
دوربین‌ها، مدار بسته متوجه می‌شدند که مشتری
چون آن‌ها، در واقع سارق بوده که با پرت کردن حواس
فروشنده، اجناسی را از مغازه سرقت می‌کرده است.
با گزارش این سرقت‌ها به پلیس، با دستور سرهنگ رضا
صاحبکار، سرکلانتر شرق پلیس مشهد، تیمی از مأموران
دایره تجسس کلانتری مصلی مأمور شناسایی و دستگیری
این سارق شدند. مأموران در همان مرحله اول تحقیقات
خود با بررسی دوربین‌های مدار بسته واحدهای تجاری،
توانستند چهره متهم را شناسایی کنند. با به دست آمدن
چهره این مرد سی و شش ساله و شگردي که داشت،
مأموران با سرعت‌های فزاینده‌ای را برای دستگیری
و آغاز کردند تا اینکه موفق به مشاهده متهم در یک
واحد تجاری شدند. خودرو گشت مأموران چند متر دورتر
از واحد تجاری توقف کرد و مأموران بلافاصله با ورود به این
مغازه او را دستگیر کردند. متهم که در ابتدا منکر انجام
هرگونه جرمی می‌شد پس از انتقال به کلانتری مصلی
و مشاهده تصاویر در سرفه‌ها به بازه در قفسه کش روزنی
واحدهای تجاری این منطقه اعتراض کرد.

بازگشت گوسفندهای دزدی پس از یک نیم‌روز

بخشند» چهار مرد درشت هیكل از دو خودور غریبه که شب بیروز وارد محوطه یک دامداری در روستای نوشک شدند. پیاده وارد محل نگهداری گوسفندان شدند. دام‌ها را وحشته رد و می‌گوشیدند از دست این افراد که در آن تاریکی شب، دستشان به هرگوسفندی که می‌رسید او را با خود می‌بردند فرار کنند. تعقیب و گریز گوسفندان و غریبه‌ها ادامه داشت. تا دیگر در دو خودور، جای برای گوسفندان باقی نمانده بود. روز بعد وقتی صاحب دامداری با حضور در محل کارش متوجه فتنه خالی چهارده رأس ازگوسفندانش به ارزش ۲۰۰ میلیون تومان شد خبر این سرقت را به پلیس داد. با دستور سرهنگ مهدی نعمت‌یار سرکلانتر غرب مشهد، وظیفه سیدگی به این سرعت و دستگیری سارقان به پاسگاه انتظامی انداد سپرده شد. مأموران این پاسگاه با حضور دو امداد اوربسی صحنه سرقت به سرخ‌های متعددی دست پیدا کردند که سارقان در تاریکی شب از خود به جا گذاشته بودند. مأموران با این مدارک بلافاصله باهماهنگی مقام قضایی مردی پنجاه ساله را دستگیر کردند. این متهم که فکرش راهم نمی‌کرد به این سرعت دستگیر شود، وقتی با مسندنات پلیس از خود روبرو شد به انجام این سرقت اعتراف و سه همدست دیگرش را معرفی کرد و آدرس محل نگهداری دام‌ها را به پلیس داد. دیگر اعترافات این متهم، در عرض کمتر از دوازده ساعت یکی دیگر از تیمندان دستگیر شد و تمام گوسفندان سرقتی به دامداری بازگشتند. تلاش پلیس برای دستگیری دو متهم متواری دیگر این سرقت ادامه دارد.

سریال سارقان «بهمن» تمام شد

تیم سه نفره گوشی قاپی، خودشان را لو دادند و در عملیات نیم روزه پلیس، تسلیم قانون شدند



عکس تزیینی است

این سارق سابقه‌دار علاوه بر کشف گواشی
سرقتی زن جوان، تعدادی لوازم مسروقه
دیگر را که به تازگی سرقت شده بودند، کشف
و ضبط کردند.

گواشی مسروقه نیز با هماهنگی قضایی
به صاحب بازگردانده شد و پرونده
متهمان برای کشف دیگر جرائم احتمالی
در اختیار دادسرا قرار گرفت. سرقه‌کی اگر
کلیتری مجدانۀ مأموران دایره تجسس
پلکانی خواجہ ربیع نبود، شاید همچون
پروندہ لای سرقت‌های خرد بہ نتیجہ
نمی‌رسید.

سومین سارق در چنگ قانون
با اعتراف متهم دوم مشخص شد که او زبیه اموال مسروقه او جمله گوشه شاکای این بار سدرسته این باند تحویل داده است. ساعت هنوز به ۲۰ نرسیده بود که دامأمور دایره تجسس کلانتری خواجہ ربیع رے این سارق سابقہ دار را نیز در همان بولوار ۲۲ ہمچہ گرفتند.

متمهم که کسی سال دارد در استعلام مشخصات هویتی نشان داد که او هم سابقه کیفری نداشته و پیش‌تر نیز به اتهام سرقت دستگیر شده است. سال ۱۹۰۲ نشان می‌داد که این مرد سی‌ساله به کلانتری خواجه ربیع انتقال داده شد و در مقام افسر تحقیق پرونده قرار گرفت. آنچه مأموران با آن روبه‌رو بودند یک تیم بود که تعدادی می‌کردم سابقه‌داران را هدایت می‌کرد و باقی‌مانده‌ها را به پای و راهبری می‌کردند. طبق آنکه کشید که پای مهره سوم این سرت نیز به پرونده با شد.

خودش بیاید، دستگیرش کنند. جوان سارق هنوز باورش نمی‌شد که چطور دستش برای قانون رو شده و مأموران از کجا باخبر شده‌اند که کجای این شهر مخفی شده است.

جوان موتورسوار ابتدا حاشاگرد آنچه را که بلیس علیه او داشت، اما زمانی نگذشت که فیلم‌های دوربین‌های مداربسته حقیقت را آشکار کرد و او را به حرف‌افروخته متهم چیزی جز این حقیقت بر سر آتش نمانده بود. و باید می‌گفت آنچه را که به دست خودش رقم زده بود. جوان بیست و سه ساله که سابقه کیفری هم در پرونده مجرمانه او داشت، اعتراف کرد که گویی زن جوان را زده است تا محاسن او را خاموش کند. آن را به همدستش تحویل داده است.

دومین مهره سرقت در دام پلیس

دومین متهم این پرونده با اعترافات جوانک قهرم‌رئوسوار در یکی از محلات باوراف ۲۲ بهمن مشهد، درستی و درستی یک ساعت بعد از دستگیری اولین متهم، و نیز در چنگ قانون گرفتار شد.

متهم پرونده داخل یک مغازه خالی که خودش آن ملک را برای پاتوق مواد مخدر اجاره کرده بود، هنگام استعمال مواد مخدر با چند هم‌بسطاش دستگیری شد و هم‌رازان او ناسندند مقدارش مواد مخدر به مأموران مقداری سرورقه خانه و خودرو را از این محل باز کردند.

همه چیز در یک نصف
روز اتفاق افتاد. از سرقت
گوشی زن جوان تا

متلاشی سدن گروه
سارقان سابقه دار، ماچرا اما با گزارش زن
به پلیس آغاز شد. او که کامند یک شرکت
است در زمان انتظار برای تلفن، درست
همان لحظه که با گوشی تکی همراهش
صحبت می کرده جوان موتوری از راه
می رسد و آنچه نباید اتفاق می افتد. جیغ
فریادی از زن هم سویی به حالش ندارد
و تا به خودی باید دیگر کار از کار گذشته
است. با تماس ای از شهروندان
و وظیفه شناس، تیمی از مأموران دایره
تجسس کلانتری خواجه ربیع خود را به
محل سرقت می رسانند. گزارش اولیه تهیه
و تحقیقات میدانی پلیس آغاز می شود و
طولانی نمی کشد که اولین سرخ به دست
مأموران می افتد. دوربین های مدار بسته
همه چیز را ثبت و ضبط کرده بودند و
اطلاعات خوبی در اختیار مجرایان قانون
قرار دادند. اولین قطعه از این پازل سرقت
تکمیل شد و زمانه گذشت که به جوانک
موتوری در منطقه روستایی خلق آباد
درزنی شد.

ساعت، ۱۷:۰۰ را نشان می‌داد که ماموران توانستند رد مخفیگاه این جوان بیست و شش ساله را بگیرند و تا او به

شربت‌ی به تلخی مرگ فرزند

حلقه علام حیاتی این کودک کمتر از قبل می شد والدینش برای مدتی او به بیمارستان از خانه خارج شدند. در طول دوران بستری با قلب این کودک از زمین ایستاد و وقتی آن ها به بیمارستان رسیدند که دیگر کار از کار گذشته بود. کادر درمانی با اینکه این سرپرده علامت حیاتی نداشت. تمام تلاش خود را برای احیای این سرپرده اما این سرپرده به ندرت بازگشت. مرگ این کودک باعث شد حضور مأموران در بیمارستان، تحقیقات پلیس درباره چگونگی این اتفاق آغاز شود. تحقیقاتی که نشان داد علت مرگ این کودک سمومیت شدید به دلیل غفلت والدین با اقرار مادر شمرت متادون در مکانی بوده که فرزندشان به آن دسترسی داشته است.

خبر

جلائیان چندین بار دیده بود که والدینش از محتویات یک ظرف شیشه‌ای تیره رنگ می نوشند که آمش متادون بود. نوشیدنی متوجه‌ای که این سربچه چهار ساله هم مانند والدینش یک بار برای تمییشه از آن نوشید و طعم مرگ‌آورش را تجربه کرد. این سربچه کنجکاو، دیروز در حالی که والدینش مشغول کارهای خود در خانه بودند بسرغ بطری شیشه‌ای رفت و با دستان کوچکش درب آن را باز کرد. این کودک بایک نفس جرعه‌ای از مایع مرگ‌آور متادون را سرکشید. از میان اطفال این کودک در ابتدا کسی متوجه اشتباهی که افتاده بود نشد تا اینکه این پسر در سال بیوهش شد. در شرایطی که هر

مرگ یک کارگر ساختمانی دیگر به دلیل سقوط

سکوتی مرگ اور در آنجا حاکم شد. سکوتی که خبر ز مرگ یک کارگر ساختمانی دیگر در مشهد می‌داد. باورگاران که با پییکر نیمه‌جان همکاران رو به روی شده بودند، خبر این حادثه را بلافاصله باورازانند در میان گذاشتند. نیروهای امدادی خیلی زود به محل حادثه رسیدند اما حضورشان مانع از مرگ این کارگر نشد و به دلیل شدت جراحت ناشی از دست دست پا، اعلام این حادثه به پلیس، با دستور سرهنگ محمد چراغ، جانشین فرمانده انتظامی مشهد، تیمی از مأموران انتظامی برای بررسی مرگ این کارگر به محل اعزام شدند. با حضور این مأموران مشخص شد علت این حادثه، رعایت نکردن مسائل ایمنی هنگام کار بوده که باعث سقوط و مرگ این کارگر شده است.

بخشداده مدتی بود که برای کار به یک پروژه ساختمانی در غرب مشهد می‌رفت. کار این ساختمان به طبقات بالایی رسیده بود و این کارگر چهل و پنج ساله باید برای انجام کارش به طبقات فوقانی ساختمان می‌رفت. دیروز در اوایل گرمای هوای نیمروز همچنان به مشغول بود که راد تا اینکه به دلایلی نامعلوم در محله خط چشمش سباهی سیاه رفت و به پایین ساختمان سقوط کرد. همه چیز برای او خیلی سریع اتفاق افتاد به طوری که کارگران دیگر اصلاً متوجه حادثه نشدند تا اینکه صدای فریاد و زمین افتادن شنیدند. با این‌که لحظاتی قبل نشه صدای کارگران حفاری در این ساختمان قلم نشده بود، ناگهان

خبر



عکس خبر

سرعت عمل آتش نشانان

آتش ایزوگام‌ها را فرونشاند

جلالیان با مدام روز جمعه، کارگران یکی از کارخانه‌های تولید ایزوگام در جاده کلات، وقتی ایزوگام‌های تولیدی‌شان آتش گرفت، حریق این مرکز را به شهر نشانی شدند. دود ناشی از آتش در واحد صنعتی نزدیک به شهر مهران شکل گرفته بود که در حواشی استان شهر مهران، به دلیل آلاینده‌ی، زمان فعالیت خود را به ساعات یابانی شب منتقل کرد.

با توجه به حساسیت موضوع و احتمال بروز گسترش آتش به دیگر واحدهای صنعتی، به‌ویژه کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولید ایزوگام در مجاورت این کارخانه، بلافاصله دو تیم از آتش‌نشانان ایستگاه‌های ۲۹ و ۴۵ به محل آتش‌سوزی اعزام شدند. آتش‌نشانان در اولین گام با دور کردن مواد اشتعال از مرکز حریق، مانع از گسترش آتش شدند و در ادامه با استفاده از تجهیزات تخصصی خود اقدام به اطفا، لکه‌گیری و ایزناسازی محل کردند.

[illegible]